

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك يا ابا عبدالله...

مدل اول؛ (اغاز از مسلمان بودن؛ عهد عبودیت با خدای متعال؛ جریان این عهد در همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی؛ لزوم به حاکمیت رسیدن این دید= باید رئیس جمهور در عبودیت مراتب بالایی داشته باشد.)

ما مسلمانیم و عهدی با خدای خود بسته ایم. این عهد را از اعماق وجود و صمیم قلبمان تا تک تک اعمال ریز و درشت زندگی مان، جاری می کنیم و به آن پایبندیم. این عهد عبودیت، شیوه خاصی برای زندگی فردی و اجتماعی را می پسندد و هرگز ما را رها نکرده است. این عهد بر همه علوم و دانش ها غالب و از همه اندیشه ها و تفکرها برتر است. میتواند همه ابعاد وجودی انسان را ساماندهی کند و در مسیر سعادت او را پیش ببرد. انگیزه اصلی برای عمل کردن و استقامت کردن است. بهترین و منسجم ترین نظم ها را می آفریند و تشکلی ولایی حول محور حکم الهی ایجاد می کند.

این عهد عبودیت که در وحی و سیره اهل بیت علیهم السلام نمایش داده شده است، چنانچه در جامعه به حاکمیت بنشیند، میتواند جامعه را به سمت پیشرفت و تعالی رهنمون شود. از یک ایده مقدس در کنج قلبها و عبادتگاه ها به نیروی حاکم جامعه تبدیل شود و به واسطه مهره های کارآمد از همه ظرفیت های آن در مسیر رشد و پیشرفت و تعالی جامعه استفاده شود.

به این خاطر است که معتقدیم، رئیس جمهور جامعه اسلامی باید در این عهد عبودیت خود با خدای متعال استوار باشد و اعتقاد داشته باشد که راه حل همه مشکلات و راه پیشرفت جامعه، در اسلام عزیز است. اگر این عبودیت باشد، او عادلانه و محسنانه رفتار می کند و هرگز سراغ گناه و تعدی و ظلم و فساد نمی رود و با مراکز فساد در جامعه نیز مبارزه میکند. همچنان که رهبری نظام این اوصاف را دارند، تصمیم بگیریم رئیس جمهوری انتخاب کنیم که در عدل و احسان شبیه رهبری معظم انقلاب باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك يا ابا عبدالله...

مدل دوم: (قصد قربت در عبادت ها، تسری قصد قربت به اعمال اجتماعی؛ ایجاد پیوند های اجتماعی حول محور تقرب به خدا؛ لزوم وجود مسئولی که بتواند این پیوند ها را حفظ و تقویت کند.)

در کارهای عبادی و عبادت‌هایمان به راحتی نیت قربت و قصد اخلاص می کنیم، اما آنچه نشان بزرگ شدن و کامل شدن ماست این است که در همه لحظات زندگی و در تک تک اقدامات و تصمیم هایمان، بر اساس هدایت خدایی و عهدی که با او بسته ایم فکر کنیم و عمل کنیم. محرک های زیادی برای جهت دادن به تصمیم های ما وجود دارد، اما این ما هستیم که باید بر اساس عهد قلبی خود و کششی که بین ما و خدای ماست، محرکی را انتخاب کنیم و تصمیمی بگیریم که با عهد عبودیت مان بیگانه نباشد. و ما را گرفتار تظاهر و دو رویی نکند، که موقع نماز خدای یگانه را می پرستیم و هنگام یک تصمیم بت های هزارگانه ی دنیا مداری، ترس از فقر، ترس از تهدید، طمع و... پناه بر خدا

چنانچه دل به عهد عبودیت با خدایمان ببندیم، تمام دنیا از ترس ها، امیدها، غم ها و رنج ها تا زندگی و مرگ، در برابر پیوند قلبی من با خدایم کوچک و حقیر می شوند. و من مانند کودکی که در پی هر اقدامی چشم به مادر میدوزد تا لبخند تاییدش را ببیند، در پی هر تصمیم به دنبال جلب رضایت و خشنودی یگانه محبوبم، خدایم می گردم.

اگر هدایت هر لحظه خدای متعال را پذیرفتیم در مواقع فتنه گون و دشوار نیز این هدایت را خواهیم شناخت. و در همه تصمیم های خرد و کلان فردی و اجتماعی، از محضر اولیای او سوال خواهیم کرد که برآستی ملاک های الهی در این ماجرا کدام است؟

این عبودیت با تمامی فردیتش، به جمع و ربط و پیوند، روی می آورد. و برای این وسعت و جمع، به کشف و خلق مهره های کارآمد و جاسازی و جایگزینی آنها نیاز هست؛ چون این حق با پای باطل راه نمی رود و این عبودیت با دست های بت ساز و بت پرست شکل نمی گیرد، پس باید یارانی آماده شوند و ساخته شوند و باید در جایگاه های مناسب قرار بگیرند و نفوذ کنند تا پس از این انتظار و آماده باش، به قیام برای تسلط حق و زنده شدن سنت های الهی در جامعه و جهان، چشم ها روشن شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك يا ابا عبدالله..

مدل سوم؛ (پیوند جامعه اسلامی توسط ولایت؛ پیروزی ها مشروط به حضور در صحنه مبارزه؛ انجام اقدامات بر اساس ایمان و مجاهدت)

آدم‌های مستقل و پراکنده را چه رشته‌ای به هم پیوند می‌دهد و چه زنجیری با هم همراه می‌سازد؟ رشته‌ای که گسستی نداشته باشد و عروۀ الوثقیایی که انفصامی نبیند.

ایمان و گرایش، و هجرت و حرکت، و جهاد و مبارزه، و یا پناه دادن و یاری کردن رشته‌ی ولایت و دوستی و سرپرستی و رهبری خدا را درهم می‌تاباند. «اولئک بعضهم اولیاء بعض»؛ این‌ها هستند که با یک دیگر جمع می‌شوند و عصمت و ولایتی در میان آن‌ها برقرار می‌شود: عصمتی که در آب‌ها از آلودگی و نجاست آن حفاظت می‌نماید. و در دل‌های مومن، به طهارت و رشدشان کمک می‌نماید.

اما اگر ایمان بود و در هدف هماهنگی بود، ولی هجرت نبود و به خاطر هدف، حرکتی صورت نگرفت، پس دیگر ولایتی در میان نخواهد بود و رشته‌ی عصمت و حفاظتی برقرار نخواهد شد. ایمان به تنهایی ولایت نمی‌آورد؛ ولی حق نصرت و یاری می‌آورد.

«والذین کفروا بعضهم اولیاء بعض.» همان طور که ایمان و هدف مشترک ولایت می‌آورد و نصرت می‌آورد، همین طور کفر و منافع مشترک هم ولایت می‌آورد و وحدت می‌آورد و قدرت می‌آورد. با این تفاوت که منافع مشترک می‌تواند به خاطر محدودیتش، باعث تعارض و درگیری بشود؛ ولی ایمان و عشق به خدا، به خاطر وسعت و جبران و غفران و محبت خدا، تعارض‌ها را مرتفع و تزاخم‌ها را رهبری می‌نماید.

پس ایمان، بدون هجرت و جهاد، نصرت محدود را به دنبال می‌آورد. و ایمان، همراه هجرت و جهاد و یا پناه دادن و نصرت کردن، ولایت را می‌سازد و این رابطه را پی می‌ریزد و این پنج عنصر ایمان و هجرت و جهاد و پناه و نصرت، ایمان حق و مؤمن ثابت را شکل می‌دهد: «اولئک هم المومنون حقاً. لهم مغفرةٌ ورزق کریم.» و این‌ها همراه غفران و رزق کرامت هستند.

نظام اسلامی، تجلی این ایمان و عناصر چهارگانه پیرامون اوست، در این نظام است که ما به حقیقت ایمان و ایمان حقیقی نزدیک میشویم و از مغفرت و رزق کریمانه مادی و معنوی الهی بهره می‌بریم. خودمان و اطرافیان مان را با این ایمان و حرکت در جهت ایمان مانوس کنیم. لحظات زندگی و انتخاب‌ها و تصمیماتمان را بر اساس ایمان و جهاد رقم بزنیم تا با اولیای الهی در یک جبهه قرار بگیریم. که فان حزب الله هم المفلحون.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام علیک یا ابا عبدالله...

مدل چهارم: (مقابله با دشمنان مشروط به ایمان قدرتمند؛ نظام برآمده از ایمان و پشتیبانی همه مردم مومن در برابر دشمن استوار است.)

در سوره‌ی انفال آمده «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ»: اگر در برابر ولایت‌های کفر و پیوندهای آنان شما به این پیوند ولایت و نصرت روی نیاورید و این ارتباط را عملی نکنید، در زمین فتنه‌ها تحقق می‌یابد و فساد کبیر، ثبات می‌گیرد. روی آوردن به ولایت و نصرت، فتنه و فساد را برطرف می‌سازد. فتنه در انسان بلاء و آزمایش اوست و در زمین درگیری‌ها و خون‌ریزی‌هاست و فساد به هم ریختن نظام و چشم پوشی از مصالح عمومی و کلی است: مصالح عمومی، در جامعه و مصالح کلی در جهان.

آنچه در برابر کفر و فتنه و فساد آن، نیرومند می‌ایستد، ایمانی است که به قدرت تبدیل شده و به محبت و ولایت و به سرپرستی و ولایت گره خورده است. مادام که ایمان به ولایت مبدل نشود، نیروی جلوگیری و مصالح نخواهد بود.

اگر ما چهار نفر هر کدام از لیوان خودش دفاع و حفاظت کند، پس هر لیوان یک محافظ بیشتر نخواهد داشت؛ اما اگر هر کس از همه‌ی لیوان‌ها حفاظت نماید، پس هر لیوان چهار محافظ خواهد داشت و هر خانه و هر فرزند و هر خانواده محافظه‌ی زیادتری خواهند داشت. و همین باعث قدرت تو و ترس دشمن و نگه‌داری از مصالح عمومی و کلی خواهد بود.

آنجا که رشته‌ی ولایت گسسته شود، هر کدام برای شکستن دیگری کافی هستیم و نیاز به دشمن خارج نیست و آنجا که این رشته مستحکم گردد و هر کس پاسدار حریم و حرمت تمامی همراهان باشد؛ ناچار هجوم و تجاوز و تعارضی نخواهد بود؛ که اهل کفر به خاطر منافع درگیر می‌شوند.

پس آنجا که تنها نظام اسلامی حق در دنیا برای انتخاب مدیر اجرایی کشور، به رای من و شما اعتماد کرده است، نمی‌توانیم بی‌اعتنا باشیم و یا بدون توجه به معیارهای حق انتخاب کنیم... در این صورت ما در دشمنی با حرم اهل بیت علیهم السلام و خیمه امروزین ابا عبدالله علیه السلام شریکیم... پناه بر خدا.

رشته ولایت ما را به سعادت میرساند، در حفظ و تقویت آن و صدورش به همه عالم تلاش کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك يا ابا عبدالله...

مدل پنجم؛ (شکر نعمت زندگی در نظام حق و برکاتش؛ وجوب نصرت و یاری نظام حق؛ قبول تعهدات برای حفظ نعمت)

زندگی در تنها نظام حق، نعمت بزرگی است که اولیای الهی برای تحقق آن و ایجاد حاکمیت حق در دنیا تلاش و مجاهده نموده و به شهادت رسیده اند. این نعمت باتمام مسئولیت هایش اکنون در اختیار ماست. به همان نسبتی که ارزش نصرت و هدایت بالا می‌رود، طبیعی است که وسوسه‌ها و فتنه‌های شیاطین هم بیشتر شود و شبهات و نتیجه گیری‌های غلط از مقدمات موهوم و یا صحیح هم زیادتر گردد. شیطان با بدی کسی که تو به آن خوبی کرده‌ای نتیجه می‌گیرد، پس دیگر احسان نکن؛ در حالی که احسان حتی به بدکار بد نیست و بدی در یک مورد دلیل تعطیل احسان نیست. با وجود مشکلات در راه، شیطان نتیجه می‌گیرد که بنشین؛ در حالی که باید آماده‌تر شد و برخاست... دقت و بصیرت و مشورت، درمان این وسوس و شبهات است. خدایا به تو پناه می‌بریم و از تو کمک می‌خواهیم.

آن‌جا که تو با هدایت خدا به پیمان و عهد او در آمدی، ناچاری که تمامی تعهدات او را به عهده بگیری و تمامی قرارهای او را دنبال باشی و این تعهد از متن عهد و عبودیت برخاسته و این تکلیف در این سرزمین ایمان و هجرت و جهاد، ریشه دوانده. مهم این است که باید این بار را مستانه، مستانه‌ی مستانه، با تمامی عشق و با تمامی اشتیاق برداشت و اگر اف‌بگویی و اگر از ناراحتی‌ها بگویی از ولایت خارج شده‌ای. این که من خسته شده‌ام و نمی‌کشم و این که پر شده‌ام و تحمل ندارم، حرف‌های کسانی است که جبران و عنایت خدا را در نظر نمی‌گیرند و بازسازی و لطف و انس و گفت و گوی او را به حساب نمی‌آورند.

کسانی که بار را با مستی بر می‌دارند و نصرت را با بی‌خودی و بدون نفسانیت به دوش می‌گیرند، نه این رنج را دارند و نه از رنج با غیر دوست صحبت می‌کنند که اگر هم گلایه‌ای باشد و بگو مگویی باشد با دوست است، که امام علی علیه السلام در صفات برادر خود می‌فرماید: «کان لا یشکوا وجعاً الا عند برئه»؛ از دردی شکایت نمی‌کرد مگر آن‌جا که درمان می‌یافت و گفت و گو شکایت نبود که حکایت راه و راهنمایی رهروان بود.

لذاست که سختی‌های مسیر منتهی به ظهور امام عصر ارواحنا فداه را با جان و دل می‌پذیریم، و خود را برای فراگیر شدن نام مبارکش و شوق آفرینی نسبت به وجود مبارکش، بیش از پیش به سختی خواهیم افکند، اما علم حق را بر زمین نخواهیم گذاشت و با انتخاب مسئولی متعهد و تشکیل دولت جوان مومن انقلابی با همه وجود تلاش خواهیم کرد. به امید آنکه چنین دولتی بتواند آرمانهای امام و نایب برحق ایشان را در ایران و جهان محقق نماید.